

به مناسبت میلاد با سعادت حضرت فاطمه زهرا(س) و آغاز هفته گرامیداشت «مقام زن» سازمان میراث فرهنگی کشور نیز در راستای تجلیل و قدردانی از زنان ایران مبادرت به برگزاری نمایشگاهی از آثار زنان هنرمند کشورمان نمود.

در این نمایشگاه بیش از ۵۰۰ اثر برگزیده از زنان هنرمند در رشته‌های گوناگون هنرهای سنتی مانند نگارگری، سوخت، خوشنویسی، خاتم‌سازی، قلمدان‌سازی، معرق و منبت، سفالگری و نقاشی روی سفال، قلمزنی، ملیله‌کاری، میناکاری، قلمکاری و انواع سوزن‌دوزیهای ایرانی به نمایش گذاشته شد.

در پایان این نمایشگاه خانم زینت‌السادات امامی مینیاتورست مشهور اصفهانی به‌عنوان «هنرمند برگزیده» انتخاب شد و به پاس قدردانی از مقام هنری این بانوی هنرمند و ارج نهادن به مرتبه والای هنری «خاندان امامی» قرار شد همه ساله و به‌همین مناسبت جوایزی تحت عنوان «جایزه هنری زینت‌السادات امامی» به زنان هنرمند کشورمان اهدا شود. در این نمایشگاه همچنین به ۵ هنرمند زن که در رشته‌های مختلف هنر سنتی به‌عنوان نفرات اول انتخاب شدند جوایزی اهدا گردید که عبارتند از: خاتوزین صالح‌پور در رشته (سفال)، نرگس کوهی (معرق چوب)، مریم قاسمی (ملیله‌سازی نقره)، مهرزمان منفرد

گفتگو با:

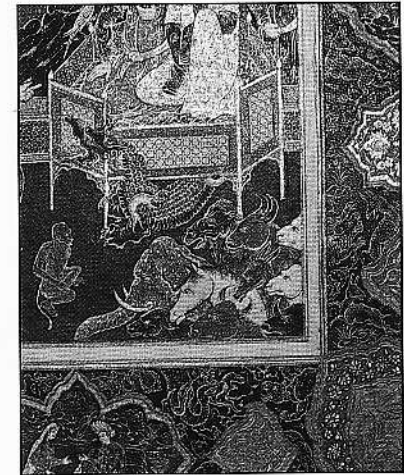
# زینت‌السادات امامی

«هنرمند برگزیده»

عباس شریفی نازانی

آثاری که تا به حال به‌وجود آورده‌ام شامل ۲۰ تابلو مینیاتور، ۲۵ گل و مرغ، ۴ سوخت و یک جلد قرآن با تذهیب است. از میان کارهایی که تاکنون انجام داده‌ام، بیش از همه به تابلو ناتمام معراج علاقه‌مندم و حدوداً ۱۹ سال است که روی آن کار می‌کنم و تقریباً ۲ سال و نیم تا سه سال دیگر کار دارد.





اسلایدها: هدایت الله گلزاد

(نقاشی زیرلاکی، قلمدان و مینیاتور) و ناطقه رفایی (نقاشی زیرلاکی، قلمدان و مینیاتور).

ضمناً به ۲۵ نفر دیگر از زنان هنرمند که آثارشان در این نمایشگاه شرکت داده شده بود، تقدیرنامه‌هایی اهدا گردید.

به منظور معرفی آثار و بیان ویژگیهای هنری و همچنین آشنایی با عرصه‌های زندگی هنری زینت‌السادات امامی (هنرمند برگزیده) در روزهای پایانی نمایشگاه گفتگویی با وی انجام داده‌ایم که گزارش کنونی روایت این صحبتهاست.

\*\*\*

زینت‌السادات امامی فرزند مرحوم میرمحمد مهدی معروف به حاج میرزا آقا امامی است. حاج میرزا آقا امامی روحانی سلیم‌النفس و هنرمندی با ذوق و استعداد بود و در بسیاری از هنرهای عصر خود مانند مینیاتور، تذهیب، تشعیر، خوشنویسی و نقاشی به درجه استادی و اشتهار رسیده بود و از مکتب هنری او شاگردان صاحب‌نامی چون حسین بهزاد و محمود فرشچیان پا به عرصه شهرت گذاشتند.

زینت‌السادات امامی از ۹ سالگی نزد پدرش تمرین خط و خوشنویسی می‌کرد اما زندگی هنری او در اصل از ۱۸ سالگی و به دنبال ناکامی و جدایی از همسرش و همراه داشتن کودک ۴ ساله در خانه پدر آغاز شد. قصه زندگی او را اگر از زبان خودش بشنویم، سادگی و سلاست و شیرینی دلچسبی دارد که بهتر بر دل می‌نشیند.

کار آموزش و تعلیم من از ۵ سالگی شروع شد و تا ۹ سالگی به منزل خانم فدایی می‌رفتم تا با حروف الفبا و درس فارسی آشنا شوم اما چیز زیادی یاد نگرفتم. پس از آن پدرم برای فراگیری قرآن و فارسی مرا به منزل حاج آقا جلال اژه‌ای فرستاد و تا ۱۳ سالگی به خواندن قرآن و فارسی مشغول بودم. در این مدت نزد

پدرم تمرین خوشنویسی هم می‌کردم. ۱۳ ساله بودم که ازدواج کردم و ۵ سال بعد از همسرم جدا شدم و به خانه پدری بازگشتم، حاصل این ازدواج ناموفق، دختر ۴ ساله‌ای بود که سرپرستی و تعلیم و تربیت او را خود به عهده گرفتم.

پس از بازگشت به منزل پدر، هدفم ادامه تحصیل بود و خیلی دوست داشتم که در رشته پزشکی درس بخوانم. اما پدرم مخالف بود و اجازه این کار را به من نمی‌داد. مادرم پیشنهاد کرد که تمرین نقاشی کنم و من پس از سه روز فکر کردن و در حسرت تحصیل و دانش پزشکی اشک ریختن، چاره‌ای جز قبول پیشنهاد مادرم نداشتم. لذا نزد پدرم رفتم و به او گفتم: می‌خواهم نقاشی کنم، ایشان با بی میلی تمام به حرفهای من گوش داد و آنرا يك هوی و هوس زود گذر تلقی کرد، اما به هر حال راضی شد که سرمشق شاگردهایش را به من بدهد و تأکید کرد که این سرمشقاها به صورت امانت پیش تو باشد، هر وقت کارهایت شبیه این نقاشیها شد، پیش من بیا تا سرمشقاها را عوض کنم. ۱۵ روز این برنامه ادامه داشت، یعنی هر روز پدرم سرمشقاها را دیدی را به من می‌داد و همان حرف را تکرار می‌کرد.

روز پانزدهم يك طرح اسلیمی که همراه با گلهای عباسی بود به من داد و تکلیف کرد که از روی این طرح، شبیه‌سازی کنم. در ابتدا این طرح به‌نظم بسیار پیچیده آمد و از آن هیچ سر در نیاوردم، اما با هر رنج و مرارتی که بود آنرا کشیدم و نزد پدرم بردم. وقتی پدرم این طرح را دید خیلی خوشحال شد و به من گفت: «عجب استعداد و جوهری داری!» خوب به یاد دارم که درست همین جمله را به کار برد. پس از آن تأکید کرد که نقاشیها را به هیچ کس نباید نشان بدهی و سپس شروع کرد به دعا خواندن.



درواقع این طرح اسلیمی و گل‌های عباسی نقطه عطفی بود در زندگی من و پس از آن بیشتر وقت و زندگی من صرف فراگیری هنر نقاشی می شد.

پدرم هر روز کارهای جدیدی به من می داد و من هم با علاقه و اشتیاق، کار نقاشی را دنبال می کردم و او هم مرتب مرا تشویق و تحسین می کرد، تا این تاریخ هیچ کس نمی دانست که من با جدیت و پشتکار تمام نزد پدرم به تعلیم نقاشی مشغول هستم. تا اینکه یک روز مردی کلیمی که معمولاً برای خرید کارهای پدرم به منزل ما می آمد، وارد اتاق پدرم شد و اتفاقاً یکی از کارهای من که یک تابلو گل و مرغ بود در همان اتاق و درست کنار پدرم قرار داشت. من هم در اتاق مجاور مشغول کار بودم و صحبت‌های آنان را می شنیدم.

مرد کلیمی تابلو را برداشت و گفت: حاج آقا این کار کیست؟ پدرم گفت: کار خودم است. مرد کلیمی در پاسخ پدرم گفت: این کار چشم هفتاد ساله نیست و پدرم در جوابش اظهار داشت: به کمک این عینک کار می کنم. مرد کلیمی از پاسخ پدرم قانع نشد و براصرار خود افزود: پدرم گفت: با کمک یکی از شاگردانم این کار را کرده‌ام، مرد کلیمی پرسید این شاگرد کیست که من هیچ وقت او را ندیده‌ام. پدرم گفت: این شاگرد یک زن جوان است. مرد کلیمی با تعجب پرسید: شما چطور یک زن جوان را به شاگردی قبول کردید؟ پدرم بالاخره در مقابل پافشاری‌های مرد کلیمی تسلیم شد و گفت این زن جوان دخترم است.

تا این تاریخ حتی برادرها و خواهرهایم نمی دانستند که من نزد پدرم به تعلیم نقاشی مشغول هستم، اما سپس از این واقعه همه متوجه شدند و من هم پنهانکاری را کنار گذاشتم و آشکارا به فراگیری نقاشی ادامه دادم.

مینیاتور را به سبک صفوی و گل و مرغ را به سبک قاجار به مدت دو سال و دو ماه نزد پدرم کار کردم و پس از آن نزد آقای حسین خطایی که از شاگردان پدرم بود، رفته و تذهیب و تشعیر را به سبک صفوی از ایشان آموختم.

سال ۱۳۴۱ به تهران آمدم و چند جلسه به منزل استاد حسین بهزاد که از شاگردان پدرم بود، رفته و ایشان به خاطر احترام خاصی که برای مرحوم پدرم قائل بود، قبول کرد که برای رفع اشکالات و طرح سوالات مورد نظر، به منزلشان مراجعه نمایم و من در طی سه ماه اقامت خود در تهران توانستم ۸ جلسه از محضر پر فیض ایشان بهره‌مند شوم.

متأسفانه آموزش و تعلیم من نزد پدر عمر کوتاهی داشت و پس از ۴ سال پدرم به دیار باقی شتافت و اجل فرصت نداد که از این سرچشمه دانش و هنر سیراب شوم. پس از پدرم، کار مینیاتور را نزد استاد حاج مصورالملکی دنبال کردم و نزدیک به ۳۰ جلسه خدمت ایشان رفته و نکات مهمی را از استاد فرا گرفتم.

هنر سوخت را از مرحوم آقا تقی کلباسی که ایشان هم از شاگردان پدرم بود یاد گرفتم، هنر سوخت که برای جلد کتابهای نفیس و به‌ویژه قرآن استفاده می شود، از دوره صفویه معمول شد و در زمان قاجار با به‌کارگیری طرحهای گل و مرغ به اوج رسید. اما پس از قاجاریه هنر سوخت به دست فراموشی سپرده شد.

سوخت از ترکیب ۱۰ رشته جداگانه به وجود می آید که عبارتند از: طرح متن (با ساخت و ساز مینیاتوری)، معرق، مشبک، لایه چینی، تذهیب، تشعیر، گل و مرغ، سوخت، خط و طلا.

پس از فراگیری هنر سوخت نزد استاد

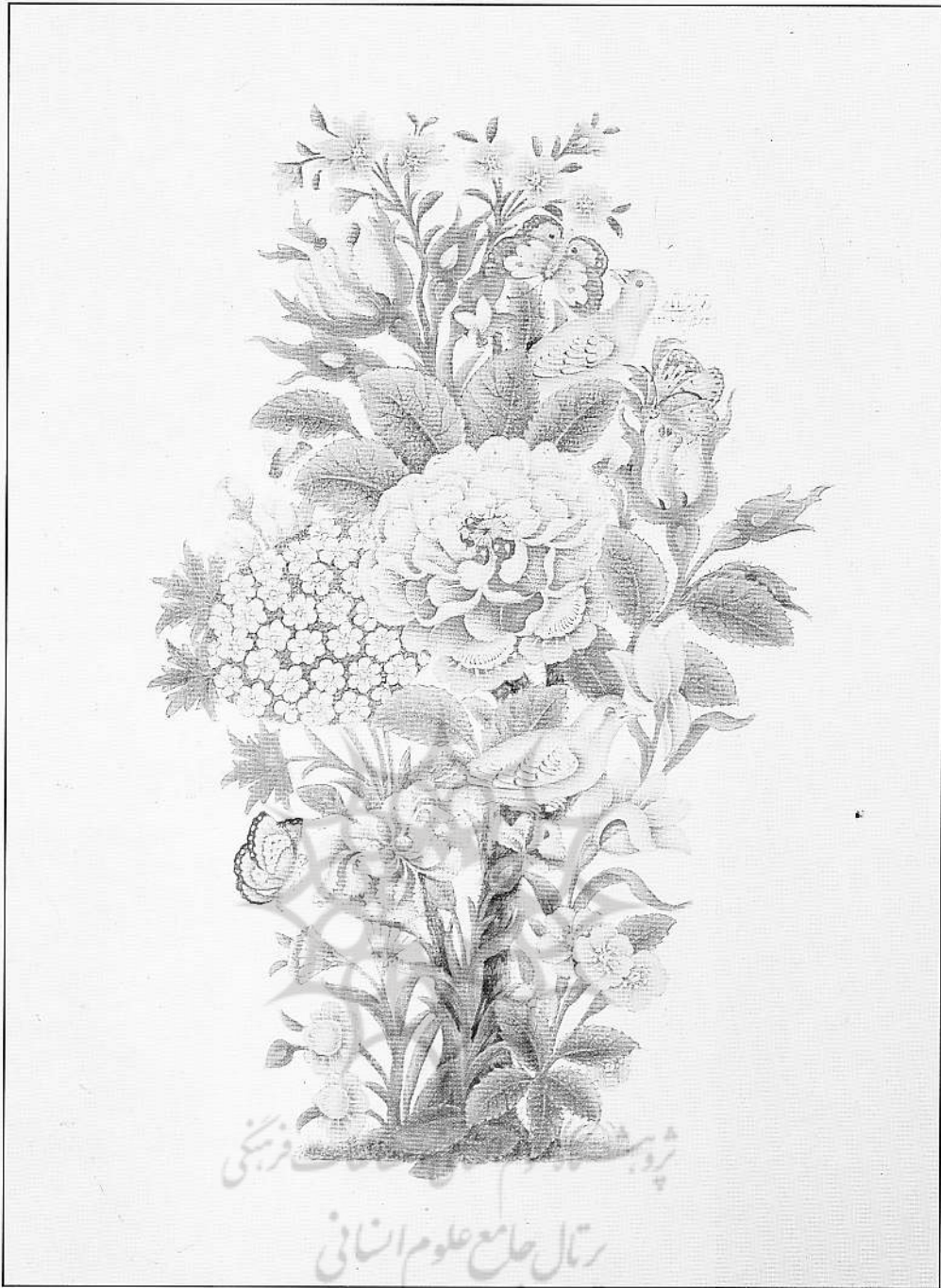
کلباسی، از مادر و مادر بزرگم کار طلاکوبی را یاد گرفتم (در خانواده مادری من هنر طلاکوبی موروثی است) چون همان‌طور که گفتم طلاکوبی بخشی از هنر سوخت به حساب می آید و در واقع آخرین مرحله آن است. سوخت را با هیچ رنگی نمی شود ساخت مگر با طلا و بهتر است که با طلای ایرانی کار شود. چون طلای خارجی یا کم‌رنگ می شود و یا می ریزد.

من در این نمایشگاه ۳ تابلوی گل و مرغ، یک تذهیب به سبک صفوی و دو تابلوی سوخت که یکی از آنها تحت عنوان معراج به صورت ناتمام است و دیگری به نام حضرت سلیمان به نمایش گذاشته‌ام. سه سال پیش نیز نمایشگاهی از تابلوهای گل و مرغ در اصفهان ترتیب دادم.

آثاری که تا به حال به وجود آورده‌ام شامل ۲۰ تابلو مینیاتور، ۲۵ گل و مرغ، ۴ سوخت و یک جلد قرآن با تذهیب است. از میان کارهایی که تاکنون انجام داده‌ام، بیش از همه به تابلو ناتمام معراج علاقه‌مندم و حدوداً ۱۹ سال است که روی آن کار می کنم و تقریباً ۲ سال و نیم تا سه سال دیگر کار دارد. اکنون تنها آرزوی من در زندگی این است که عمر فرصت دهد تا تابلو معراج را کامل کنم و یک تابلو مینیاتور از شجره‌نامه فامیلی را به تصویر بکشم. طرح اولیه آنرا در ذهنم آماده ساخته‌ام و تصور می کنم حدود یک سال کار داشته باشد تا به صورت دلخواه پایان پذیرد.

در مورد معرفی تابلو معراج که در این نمایشگاه به صورت ناتمام به نمایش گذاشته شده پاره‌ای توضیحات را ضروری می دانم که به اختصار عرض می کنم: این تابلو در واقع از دو جنبه مذهبی و هنری برای من حائز اهمیت است و دستیابی و ترکیب هر یک از این جنبه‌ها در قالب یک





تابلو، برای من سرشار از خاطرات شیرینی است که با آنها زندگی کرده‌ام.

از میان ۷۰ حدیثی که در مورد معراج پیامبر اکرم وجود دارد ۱۴ حدیث را حاج آقا احمد امامی عموزاده من انتخاب کرد تا این احادیث را دور تا دور قاب معراج با مینیاتور سبک صفوی زینت دهم. استاد متین رئیس انجمن شعرای اصفهان نیز سی مصراع شعر درباره معراج از دیوان

نظامی گنجوی انتخاب کرد که آنها را به صورت معرق دور تا دور تابلو چسباندم. سوره‌ای از قرآن را نیز که در مورد معراج است به همراه اسامی چهار ملک مقرب دور تابلو قرار دادم. خط ثلث این سوره را استاد فضائلی و خط نستعلیق آن را استاد شیرازی به عهده گرفتند.

درحال حاضر روزی ۶ ساعت روی این تابلو کار می‌کنم و آرزو می‌کنم ذهن

و چشم و دست توان انجام آنرا به نحو احسن نصیب سازد. ضمناً برپایی این نمایشگاه و اخذ عنوان هنرمند برگزیده برای من افتخار بزرگی بود که بیش از هر پاداش مادی مرا خوشحال و راضی کرد. قبل از شرکت در نمایشگاه هرگز فکر نمی‌کردم که به چنین مرتبه و عنوانی مفتخر شوم.

